

## Divine Traditions and Issues in the World Politics<sup>1</sup>

Mansour Mirahmadi<sup>1</sup>  
Alireza Naeij<sup>2</sup>

1. Professor, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.  
m\_mirahmadi@sbu.ac.ir

2. PhD Student in International Relations, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author). alireza128@gmail.com

Received: 2020/06/12; Accepted: 2020/08/09

### Abstract

The present study aims to explain the potential of monotheistic ideology and divine traditions in the world politics. To this aim, the descriptive analysis with reference to the Qur'anic verses revealed that the world politics relying on monotheistic ideology and divine traditions of Takwin (creation) and Tashri' (legal Islamic rules) is capable to respond to the issues in the policy in terms of mutual interactions between the human and life world. The purposeful and Takwini look at the universe and all its components moving to the perfection is not incompatible with the divine rules of God and therefore, human has an immense role in his destiny and changes in the lifeworld due to his free will and liberty. In order to answer to challenges in the world politics from the perspective of divine traditions, it is necessary to extract and compose general tenets and values based on Godly traditions for all humans, societies, and nations during history from the past to future. Therefore, the world politics can be derived from the monotheistic ideology and divine traditions.

**Keywords:** Divine Traditions, Monotheistic (Tawhidi) Ideology, World Politics, Takwini Tradition, Tashri'i Tradition.

---

1. The present study is extracted from the Ph.D. thesis entitled "The Potential of Islamic Jurisprudence (Fiqh) and the World Politics" by Alireza Naeij, supervised by Dr. Mansour Mir Ahmadi, department of politics and international relations, faculty of economy and politics, Shahid Beheshti University, Tehran, 1399.

## سنن الهی و مسائل سیاست جهانی<sup>۱</sup>

منصور میراحمدی<sup>۱</sup>

علیرضا نائیج<sup>۲</sup>

۱. استاد، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛ عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه. m\_mirahmadi@sbu.ac.ir  
۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛ عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه (نویسنده مسئول). alireza128@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۹

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، تبیین ظرفیت نگرش توحیدی و سنن الهی در سیاست جهانی است. در این راستا با روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به آیات قرآن کریم نشان داده شد که سیاست جهانی مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی براساس سنت‌های الهی تکوینی و تشریحی قابلیت ترسیم و پاسخگویی به مسائل سیاست جهانی در عرصه انسان، زیست جهان و تعامل این دو را دارا می‌باشد. نگاه غایت‌مدارانه و تکوینی به نظام هستی و همه اجزای آن که به سوی کمال خود در حرکت هستند، منافاتی با سنن تشریحی الهی نداشته و انسان با توجه به اختیار و آزادی نقش بسزایی در سرنوشت خود و تغییرات زیست جهان دارد. برای پاسخگویی به مسائل سیاست جهانی از منظر سنن الهی لازم است بنیادها و ارزش‌هایی عام برای همه انسان‌ها، جوامع و ملت‌ها در طول تاریخ از گذشته تا آینده از سنن الهی استخراج و تالیف گردد. بنابراین، سیاست جهانی مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی براساس سنت‌های الهی قابل ترسیم می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** سنن الهی، جهان‌بینی توحیدی، سیاست جهانی، سنن تکوینی، سنن تشریحی.

۱. پژوهش حاضر برگرفته از پایان‌نامه دکتری با عنوان: «ظرفیت‌های فقه و سیاست جهانی»، توسط دانشجو: علیرضا نائیج، استاد راهنما: دکتر منصور میراحمدی، رشته روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۹، است.

## ۱. مقدمه

گسترش ارتباطات و فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و اقتصادی موجب به هم پیوستگی پیچیده میان ملت‌ها، جوامع و تضعیف حاکمیت نظام دولت-ملت محور گردیده و سیاست را از حوزه ملی به عرصه فراملی و جهانی کشانده است. بدون ایجاد نظم و انتظام در عرصه فراملی و جهانی، بسیاری از امور جامعه جهانی با چالش و بحران مواجه خواهد شد، امنیت و صلح جهانی مورد تهدید قرار خواهند گرفت. بنابراین، همیاری و همکاری همه نیروهای تاثیرگذار در عرصه سیاست جهانی جهت کسب منافع عمومی و همگانی جهانی لازم است. نظم و قواعد جهانی نمی‌تواند بدون توجه به ارزش‌های بنیادی جوامع و تمدن‌ها ترسیم شود، هنجارها و ارزش‌های حاکم در هر نظام معرفتی، نظم و قواعد خاص به خود را ایجاد می‌نماید. هر جامعه، تمدن و رویکردی، پاسخ و راهکاری برای چالش‌ها و مسائل سیاست جهانی مطرح می‌نماید.

اگرچه تاکنون آثار متعددی درباره نگرش توحیدی و سنن الهی نگارش یافته، اما تبیین ظرفیت این نگرش در پرداختن به مسائل سیاست جهانی مورد توجه قرار نگرفته است.

پژوهش حاضر در این راستا تلاش می‌کند با استفاده از روش تحلیلی و با مراجعه به آیات قرآن کریم، ظرفیت نگرش توحیدی و سنن الهی را در پرداختن به موضوع مذکور تبیین نماید. از این رو، در این پژوهش با اشاره به مفهوم سیاست جهانی و مقصود از سنن الهی در نگرش توحیدی، به نسبت‌سنجی این نگرش با مسائل سیاست جهانی پرداخته می‌شود.

مراد از سیاست جهانی، سیاستی است که در سطح جهانی و به خاطر فراگیر بودن و عمومی بودن اجرا می‌شود و قواعد کلی زندگی در سطح جهانی را تعیین، حفظ و اصلاح می‌کند تا منافع عمومی و همگانی جهانی تامین گردد، به همین جهت با پدیده‌های درگیری و همکاری میان دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای رسمی و غیررسمی، گروه‌های ملی و بین‌المللی، احزاب و... پیوند تنگاتنگ پیدا می‌کند.

## ۲. سیاست جهانی

مفهوم سیاست جهانی، مفهومی ترکیبی است. از این رو، فهم این مفهوم در گرو فهم مفهوم

سیاست در مرحله نخست، و فهم مقصود از پسوند جهانی در مرحله دوم است. سیاست که از نظر لغوی دارای معانی زیادی<sup>۱</sup> است، از نظر اصطلاحی با تعاریف زیاد و تقسیم‌بندی متکثری<sup>۲</sup> همراه بوده است. تعریفی همچون سیاست به مثابه هنر حکومت کردن، امور عمومی، سازش و اجماع و به مثابه قدرت (هیوود، ۱۳۹۲: ص ۱۹-۹).

به نظر هیوود سیاست فعالیتی است که مردم از طریق آن قواعد کلی زندگی خود را تعیین، حفظ و اصلاح می‌کنند و به همین جهت با پدیده‌های درگیری و همکاری پیوند پیدا می‌کند (هیوود، ۱۳۹۲: ص ۱۹). این تعریف از سیاست را می‌توان در عرصه‌های فراملی نیز بکار برد، جایی که به دلیل گسترش فناوری‌های ارتباطی و وابستگی متقابل ملت‌ها، نیازمند قواعد کلی برای حفظ و اصلاح زندگی خود و زیست جهان می‌باشد و چاره‌ای جز همکاری در بسیاری از امور متعارض و تقابل منافع نیست تا خیر عمومی جهانی ایجاد و همه از آن منتفع گردند.

پسوند جهانی در دانش واژه سیاست جهانی بیانگر دو جنبه مهم بوده، از این دو جهت می‌توان مفهوم سیاست جهانی را توضیح داد:

**اول.** آنچه مربوط به جهان و سرتاسر جهان یعنی کل کره زمین، نه فقط یک منطقه یا ملت خاص است، در این صورت سیاست جهانی در سطح جهان اجرا می‌شود و همه حوزه‌های مربوط به کره زمین از مسائل زیست محیطی گرفته تا انسان و حیوانات را دربرمی‌گیرد.

**دوم.** جامع و فراگیر بودن مراد باشد. در این صورت شمار زیادی از مسائل سیاسی و غیره که ویژگی جهانی یافته‌اند را شامل می‌شود. در این صورت سیاست جهانی باعث از بین رفتن سیاست بین‌الملل نشده و بلکه آن را تکمیل می‌نماید (هیوود، ۱۳۹۶: ج ۱، ص ۲). بنابراین، در سیاست جهانی به مسائل و چالش‌هایی پرداخته می‌شود که تبدیل به امری عمومی و جهانی یا فراگیر شده است و دولت‌ها تنها نیروهای تاثیرگذار در این امور نمی‌باشند. محیط سیاست در عرصه جهانی به

۱. برای اطلاعات بیشتر به: فرهنگ علوم سیاسی اثر علی آقابخشی و مینو افشاری مراجعه کنید.

۲. برای اطلاعات بیشتر به: اسکندری، محمدحسین، «نگاهی به مفهوم سیاست»، روش‌شناسی علوم انسانی، دوره ۵، شماره ۲۱؛ هیوود، اندرو، سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، نشر نی، ۱۳۹۲، مراجعه کنید.

دلیل کثرت مسائل و چالش‌های فراگیر از یک سو و تعدد بازیگران دگرگون گردیده است. مسائل و چالش‌های سیاست جهانی را در سه حوزه می‌توان دسته‌بندی نمود:

- (۱) انسان- هویت، حقوق بشر، مهاجرت، سلامت و بیماری،
- (۲) زیست جهان- آلودگی هوا، ریزگردها، لایه اوزن، آلودگی دریاها، استفاده از فضای جو و مافوق آن،
- (۳) انسان و زیست جهان- تجارت، فقر و توسعه، جنگ و صلح، تروریسم و قاچاق.

### ۳. توحید و سنن الهی

در جهان‌بینی اسلامی، جهان و نظام هستی دارای خالق (انبیاء، ۱۶) و عبث خلق نشده (مومنون، ۱۱۵) و به سوی هدف و غایت معینی در حرکت است (بقره، ۱۵۶). جهان و انسان از مبدائی آغاز و دارای سرانجامی است (یونس، ۳) و برای طی این مسیر خداوند رسولانی را ارسال نمود (انعام، ۱۳۰) تا انسان به بندگی (ذاریات، ۵۶)، رحمت (انبیاء، ۱۰۷)، سعادت، کمال و قرب الهی (مطففین، ۲۸) دست یابد. بر همین اساس امام علی(ع) توحید را حیات نفس می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ص ۳۶۱؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴: ج ۲، ص ۲۶۷). نگاه توحیدی به نظام هستی، زندگی و حیات انسان را هدفدار می‌نماید.

در جهان‌بینی توحیدی، جهان و نظام هستی مبتنی بر یک اراده حکیمانه الهی و براساس خیر و رحمت و رسانیدن موجودات به کمالات شایسته آنها استوار است و نظام هستی با یک سلسله نظامات قطعی که «سنن الهیه» نامیده می‌شود، اداره می‌گردد. هر چیزی در جای خود و از روی حکمت و فایده خلق شده است. نظام هستی، نظام احسن و اکمل و مبتنی بر عدل و حکمت و به سوی غایتی معین در حرکت است. اراده و مشیت الهی به صورت «سنن»، یعنی به صورت قوانین و اصول کلی، در جهان جریان دارد. این سنن‌های الهی تغییر نمی‌کنند و تغییرات براساس سنن‌های الهی است. همان گونه که در آیه «ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا بانفسهم» به این سنت اشاره دارد. براساس آیات الهی نیکی و بدی کارها، گذشته از آنکه در جهان دیگر به صورت پاداش یا کیفر به انسان باز می‌گردد، در همین جهان نیز خالی از عکس‌العمل نمی‌باشد (مطهری،

۱۳۸۴: ج ۲۶، ص ۸۵-۸۳). براساس جهان‌بینی توحیدی سنن الهی مبتنی بر عدل و غایت‌مندی جهت تکامل انسان و همراه با اختیار وی در نظام هستی حاکم می‌باشد.

توحید در کلام اسلامی به نظری و عملی تقسیم می‌شود<sup>۱</sup> و هر یک دارای اقسام و مراتبی است. توحید نظری ناظر به عالم شناخت، اندیشه، اعتقاد و باورهای انسان نسبت به ذات الهی است و انسان موحد شناخت صحیح و درستی نسبت به خداوند داشته باشد. توحید نظری به ذاتی، صفاتی و افعالی تقسیم می‌گردد<sup>۲</sup>. توحید عملی در رابطه با وظایف عملی انسان نسبت به خداوند است، یعنی عبادت آن خدایی که وجودش را باور داریم، انسان باید چگونه عمل نماید تا زندگی‌اش موحدانه باشد. در واقع توحید نظری در رفتار انسان تبدیل به ایمان می‌گردد.

اینکه توحید چگونه در عرصه حیات اجتماعی بشر می‌تواند نقش ایفا نماید، استدلال‌ها در کلام اسلامی مبتنی بر توحید افعالی است که به روابط خدا و مخلوق می‌پردازد. خالقیت، ربوبیت تکوینی و تشریحی از صفات افعالی خداوند هستند، بر همین اساس قانونگذار حقیقی خداوند است که خالق همه هستی می‌باشد<sup>۳</sup> (شاهدی، ۱۳۸۳: ص ۳۳۰). سنن و قوانین حاکم بر نظام هستی بر دو قسم تکوینی و تشریحی هستند.

قوانین و سنن تکوینی عبارت است از قوانین و سنن که حاکم بر نظام هستی، نظام اجتماعی، انسان و... بوده که اراده و اختیار بشر در آن راهی ندارد، این سنن عام، استثناء‌ناپذیر، غیرقابل تغییر و تبدیل هستند. قوانین علی و معلولی حاکم در نظام هستی از مظاهر سنت تکوینی الهی است که برای هدایت موجودات و نظام هستی جهت دستیابی به کمال خود مبتنی بر رحمت و اسعه الهی در نظام هستی قرار داده است.

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: مجموعه آثار شهید مطهری ج ۲۶، چاپ هفتم، تهران، صدرا، ۱۳۸۴؛ آشنایی با قرآن (۱ و ۲).

۲. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: مجموعه آثار شهید مطهری ج ۲۶، چاپ هفتم، تهران، صدرا، ۱۳۸۴؛ جهان‌بینی توحیدی.

۳. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: غفاری، شاهد، «توحید و حکومت دینی»، حکومت اسلامی، سال نهم، شماره ۳۱، بهار ۱۳۸۳.

قوانین و سنن تشریحی عبارت از سنن و قوانینی که وضعی و تخلف‌پذیر هستند، خداوند آنها را برای کمال و سعادت بشر با توجه به اختیار و آزادی وی وضع نموده است. انسان می‌تواند به این قوانین عمل و یا از آنها تخطی نماید و سرنوشت افراد و ملت‌ها در عمل و یا عمل نکردن به این قوانین است. این قوانین تضادی با سنت‌های الهی تکوینی نداشته و بلکه در راستای آن هستند. به بیانی دیگر، انسان با اختیار و عمل به قوانین تشریحی و یا مخالفت با آنها زمینه اجرای سنت‌های تکوینی الهی را فراهم می‌آورد. مسائل سیاست جهانی به صورت تکوینی و تشریحی از دایره سنت‌های الهی خارج نیست.

#### ۴. ویژگی‌های سنن الهی

سنن الهی از آنجا که برای کمال و سعادت انسان وضع شده‌اند، قابلیت بهره‌گیری و پاسخگویی به مسائل و مشکلات در همه اعصار و دوره‌های زندگی بشر را دارند. بر همین اساس این سنن سه ویژگی را دارا هستند:

۱) **عام و مطلق بودن:** همه نظام هستی، موجودات و جوامع انسانی در طول تاریخ و هر مکان و زمانی را دربردارد و استثناء‌پذیر و مقید نمی‌باشد،

۲) **تغییر و تحول‌ناپذیری:** دارای دوام و ثبات بوده و برگردانده و تبدیل نمی‌شود،

۳) **عدم منافات با آزادی و اختیار انسان** (صدر، ۱۳۹۳: ص ۳۳-۳۱).

سنن الهی با افعال اختیاری انسان در ارتباط و با آن منافات ندارد، زیرا خداوند مبتنی بر اراده و اختیار انسان این قانون و سنت را قرار داده است تا فعل انسان متناسب به خودش باشد. بنابراین، فعل انسان و جوامع در ظهور و تغییر سنت الهی مسبب است، مانند توبه افراد یا جوامع که می‌تواند سرنوشت آنان را متحول و دگرگون نماید. در واقع سنن الهی نه تنها در مورد فرد، بلکه جوامع و ملت‌ها را دربردارد.

آنچه در جهان‌بینی توحیدی از اهمیت برخوردار است، عام و حاکم بودن سنت‌های الهی بر هستی و جامعه است که فرازمانی و فرامکانی هستند و به هیچ وجه قابل تغییر و تحویل نمی‌باشند. همان گونه که در آیاتی چون «و برای سنت [و قانون] ما تغییری نخواهی یافت» (اسراء، ۷۷) و «در

سنت خدا هرگز تغییری نخواهی یافت» (احزاب، ۶۲)، به عدم تغییر سنن و قوانین الهی تاکید شده است. قوانین و سنن الهی تفاوتی بین مسلمان و غیر مسلمان، رنگین پوستان، مرد و زن، کوچک و بزرگ، ثروتمند و فقیر قائل نشده است. عام بودن این سنن و قوانین و عدم منافات با آزادی و اختیار انسان و حاکم بودن بر زندگی اجتماعی انسان، ظرفیت‌های لازم جهت ایجاد بنیادها و ارزش‌های حاکم بر انسان و زیست جهان را با رویکرد اسلامی در عرصه جهانی فراهم می‌آورد.

### ۵. ظرفیت سنن الهی در پرداختن به مسائل سیاست جهانی

هر جامعه، قوم و ملتی از سه عنصر انسان و یا مردم، زیست جهان که شامل زمین، آسمان و... و رابطه انسان و طبیعت بوده، تشکیل شده است. قوانین و سنن الهی نیز به دو قسم تشریحی و تکوینی تقسیم گردیده و سنن تشریحی که با اختیار انسان همراه است، زمینه‌ساز سنن تکوینی الهی می‌باشد. بنابراین، هر یک از قوانین و سنن - تکوینی و تشریحی - الهی را می‌توان مربوط به زیست جهان (طبیعت)، فرد (انسان) و جامعه (اجتماع) دانست. در نتیجه شش نوع سنت الهی را می‌توان تصویر نمود. با توجه به تعریف از سنن تشریحی و وجود اختیار، سنن تشریحی حاکم بر جهان آفرینش فاقد موضوعیت است، زیرا جهان آفرینش فاقد اختیار می‌باشد. بنابراین، این قسم به طور ویژه از موضوع بحث خارج است، هرچند قابل تصویر، ولی قابل تصدیق نمی‌باشد. در نتیجه پنج قسم باقی می‌ماند:

**الف. سنن الهی تکوینی حاکم بر جهان آفرینش:** سنن تکوینی در رابطه با جهان آفرینش بر سه محور اساسی است: نظام احسن، علت و معلول، عدالت.

خداوند حکیم، خالق هر چیزی است (فرقان، ۲) و نظام هستی را براساس نظام احسن ایجاد نمود (سجده، ۷)، یعنی نظمی که از آن کامل‌تر تصور نمی‌شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۷، ص ۱۲۳) و برای آن غایتی قرار داد. «و ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، جز به حق نیافریده‌ایم» (حجر، ۸۵) و در آیه‌ای دیگر «همان کسی که هر چیزی را که آفریده است، نیکو آفریده» (سجده، ۷)، «و آسمان و زمین و آنچه را که میان آن دو است، به بازیچه نیافریدیم» (انبیاء، ۱۶)، «آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم» (مومنون، ۱۱۵).



از این آیات الهی چنین برداشت می‌شود که نظام هستی براساس غرض و مبتنی بر قوانین و سنن الهی و در یک نظام احسن ایجاد گردیده و هر حرکت و فعلی مبتنی بر نظام احسن بوده و آفرینش جهان از روی عبث نیست.

براساس جهان‌بینی اسلامی، نظام احسن مبتنی بر علت و معلول، سبب و مسبب است که همه فعل الهی قلمداد می‌گردد (سبحانی، ۲۰۱۰م: ج ۱، ص ۱۵). خداوند به صورت تکوینی جهان آفرینش و همه موجودات را براساس حکمت خود و نظام علی و معلولی خلق نموده (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۴۲-۲۶) و همه آنها را بر همین اساس به سوی کمال خود هدایت کرده است، این سنت همه مخلوقات را شامل می‌گردد. نمونه‌های زیادی از آیات الهی در قرآن به این مساله اشاره دارند از جمله (فاطر، ۱۱، ۱۳)، (یس، ۴۰) و...

نظام علت و معلول، سبب و مسبب که از سنن الهی در جهان آفرینش است، مبتنی بر عدالت بوده و بدهت این مساله را عقل درک می‌نماید. بنابراین، تغییر و تحولات در نظام آفرینش از آسمان و زمین و آنچه در اوست، همه مبتنی بر نظام احسن و عدالت است و این آیه شریفه نیز بر آن اشاره دارد، «سخن پروردگارت از روی راستی و عدل کامل شد، سخنان او را تغییر دهنده‌ای نیست» (انعام، ۱۱۵). در نتیجه مبنای قوانین و سنت‌های خداوند در نظام هستی، صدق و عدل است (قرآنی، ۱۳۸۳: ج ۳، ص ۳۳۷).

براساس جهان‌بینی اسلامی، نظام هستی خود هدف نهایی نبوده و تنها راهی است برای غرض و هدف نهایی که تقرب انسان به ذات الهی است. البته اهداف متوسطی در نظام هستی قرار داده شده است، مانند آزمایش (هود، ۷)، عبادت (ذاریات، ۵۶)، رحمت (هود، ۱۱۹) و... که خارج از سنن تکوینی الهی نیست.

در بینش و نگرش توحیدی سنن تشریحی زمینه‌ساز سنن تکوینی هستند و تغییر و تبدیل در سنن تکوینی نیز خارج از قانون الهی نمی‌باشد. تغییر و تحول و دگرگونی در زیست جهان مواردی چون لایه ازون، محیط زیست، آب‌ها و دریاها براساس همین سنت الهی قابل بررسی و تبیین است. همان‌گونه که خداوند در این آیه متذکر می‌شود: «در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد

و شد شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا به سود مردم در حرکتند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن زمین را پس از مرگ زنده نموده و انواع جنبندگان را در آن گسترده و (همچنین) در تغییر مسیر بادهای و ابرهایی که در میان زمین و آسمان معلق‌اند، نشانه‌هایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند» (بقره، ۱۶۴). هرچند که این آیه سه استدلال برهان نظم، خالقیت و احتیاج انسان بر توحید را اقامه می‌نماید، اما در تفسیر این آیه علامه طباطبائی می‌فرماید: «این نظام عمومی و دائم، و تحت قانونی ثابت است و حتی قانون نسبیت عمومی هم که قوانین حرکت عمومی در عالم جسمانی را محکوم به دگرگونی می‌داند، نمی‌تواند از اعتراف به اینکه خودش هم محکوم قانون دیگری است، خودداری کند، قانونی ثابت در تغییر و تحول» است (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۵۹۸) و در ادامه ایشان می‌گوید: «مجموع عالم یک چیز است، و تدبیر حاکم بر سرپای آن متصل است و تمامی اجزایش مسخر برای یک نظام است، هرچند که اجزایش بسیار و احکامش مختلف است» (طباطبائی، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۵۹۹).

بنابراین، در نگاه توحیدی بین تمام اجزای عالم هستی ارتباط برقرار بوده و هیچ اجزایی منفصل از نظام احسن هستی که خداوند به مشیت خود تدبیر نموده است، نمی‌باشد. در سیاست جهانی مبتنی بر غیر توحید، تکیه بر اصل تنازع بقاء می‌باشد و آنچه دارای اهمیت بوده، قدرت است و در طبیعت و نظام هستی اینان، قوی، ضعیف را پایمال می‌نماید، همان گونه که درخت بزرگ و قوی جلوی رشد درختان کوچک را می‌گیرد و یا حیوان قوی حیوان ضعیف را نابود می‌نماید، در حالی که در نگاه توحیدی و نظام احسن، اقویا و قدرتمندان باید به فکر ضعفا باشند و آنها را مورد انفاق و تفقد قرار دهند و رعایت تقوای الهی را بنمایند. در این صورت مبتنی بر نظام احسن زمین و آسمان نعمات خود را تقدیم می‌کنند، «و اگر آنان به تورات و انجیل و آنچه از جانب پروردگارشان به سویشان نازل شده است، عمل می‌کردند، قطعاً از بالای سرشان [برکات آسمانی] و از زیر پاهایشان [برکات زمینی] برخوردار می‌شدند. از میان آنان گروهی میانه‌رو هستند و بسیاری از ایشان بد رفتار می‌کنند» (مائده، ۶۶)؛ «و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند، پس به

[کیفر] دستاوردشان [گریبان] آنان را گرفتیم» (اعراف، ۹۶).

نگرش توحیدی به مسائل سیاست جهانی مبتنی بر نظام احسن که در سنن الهی قرار داده شده است، موجب همکاری همیاری و همه اجزای عالم است. در نتیجه مسائل سیاست جهانی و چالش‌های آن در درون همین نظام و سنت الهی قرار دارند. برای حل مسائل سیاست جهانی لازم است نگرش، بینش و کنش توحیدی داشت تا مبتنی بر سنن الهی همه هستی در خدمت انسان قرار گیرد.

ب. **سنن الهی تکوینی حاکم بر انسان:** این سنن بدون اختیار انسان بر انسان حاکم است و آنها را در سه محور می‌توان برشمرد: چگونگی خلقت و هدف از آن، دوران حیات و برانگیخته شدن انسان پس از مرگ. در جهان‌بینی اسلامی، انسان براساس نظام احسن آفریده شده است، نه تنها نظام آفرینش، نظام احسن است، بلکه آفرینش انسان نیز نظام احسن است (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ص ۲۲۳)، «ما انسان را در نیکوترین نظم و اعتدال و ارزش آفریدیم» (تین، ۴). انسان دارای دو بعد روحانی و جسمانی است و بعد روحانی وی بر جسمانی دارای اهمیت و اصالت است و در آیات فراوانی به خلقت انسان براساس فطرت الهی و مادی اشاره گردیده است (فاطر، ۱۱)، (مومنون، ۱۴)، (عبس، ۱۹)، (زخرف، ۲۷)، (روم، ۳۰) و ... در این آیه بی‌هدفی خلقت و رها شدن انسان نفی گردیده است، «آیا انسان گمان می‌کند بیهوده و بی‌هدف رها می‌شود؟» (قیامت، ۳۶)، و در آیات دیگر مساله خلقت، هدف، اجل معین و برانگیخته شدن انسان به عنوان قوانین و سنن لایتغیر الهی بیان می‌شود: «اوست که شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه، آنگاه از علقه، سپس به صورت طفلی [از رحم مادران] بیرون می‌فرستد، تا به کمال نیرومندی و قوت خود برسید، آنگاه پیر و سالخورده شوید، و برخی از شما پیش از رسیدن به این مراحل قبض روح می‌شوید، و [برخی زنده می‌مانید] تا به آن مدتی که معین و مقرر است، برسید، و برای اینکه شما [درباره حق] تعقل کنید» (غافر، ۶۷)؛ «اوست، کسی که شما را از گل آفرید، آنگاه مدتی را [برای شما عمر] مقرر داشت و اجل حتمی نزد اوست» (انعام، ۲)؛ «هیچ‌کس جز به فرمان خدا نمی‌میرد، سرنوشتی است تعیین شده (بنابراین، مرگ پیامبر با دیگران یک سنت الهی است)، هر کس پاداش دنیا را

بخواهد (و در زندگی خود در این راه گام بردارد)، چیزی از آن به او خواهیم داد و هر کس پاداش آخرت بخواهد، از آن به او می‌دهیم، و به زودی شاکران را پاداش خواهیم داد» (آل عمران، ۱۴۵). از آیات الهی می‌توان برخی از سنت‌های تکوینی حاکم بر انسان را استخراج نمود: فطرت الهی انسان، دو بعدی بودن انسان، هدفدار بودن زندگی، تکامل و رشد، هدایت انسان (نساء، ۲۶)، استخلاف (بقره، ۳۰)، اختیار (اعراف، ۱۷۶)، آزمایش (هود، ۷)، عبادت (ذاریات، ۵۶)، رحمت (هود، ۱۱۹)، آثار اعمال (نجم، ۳۹، مدثر، ۳۸، کهف، ۱۱۰، نساء، ۸۵ و...)، مرگ و ... .

انسان به عنوان مهمترین موجود در نظام خلقت است که به دلیل فصل ممیزه خود از سایر موجودات برتری دارد. بنابراین، براساس فصل ممیزه وی از سایر موجودات، دارای هویتی متفاوت از آنان است. هویت انسانی در همه انسان‌ها یکسان و برابر است و همین برابری موجب ایجاد حقوق برابر و مساوی می‌گردد و هیچ انسانی بر انسان دیگر برتری و ولایت ندارد. هویت اجتماعی جوامع و حقوق بشر که مبتنی بر نگرش غیرتوحیدی تبیین می‌گردد، موجب چالش‌هایی در سیاست جهانی در حوزه هویت و حقوق بشر می‌شود. اما اگر سنن الهی تکوینی در مورد انسان را مورد توجه قرار دهیم، همان گونه که قرآن می‌فرماید: «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید، ولی گرامی‌ترین شما نزد خداوند، باتقواترین شماست» (حجرات، ۱۳)، چالش‌های حقوق بشری کمتری در عرصه سیاست جهانی خواهیم داشت. سنن تکوینی الهی درباره انسان می‌تواند تبیین درستی از چالش‌های هویتی، حقوق بشری و... ارائه نماید. بنابراین، نگرشی توحیدی به مسائل سیاست جهانی می‌تواند موجب همیاری و همکاری جامعه جهانی، ملت‌ها، دولت‌ها و همه بازیگران در این عرصه گردد.

**ج. سنن الهی تکوینی حاکم بر اجتماع انسانی:** این سنن بر هر جامعه و اجتماع انسانی بدون اختیار آنان حاکم است و در واقع این سنن پیامد رفتار و عملکرد جمعی همه افراد یک قوم، جامعه و اجتماع بوده و تا زمانی که افراد جامعه در خودشان تغییری ایجاد ننمایند، در سرنوشت آنان تغییری ایجاد نخواهد شد، «خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنها خود را تغییر دهند» (رعد، ۱۱). در آیه دیگر سکوت افراد در هنگام فتنه را موجب مجازات همه آن جامعه می‌داند، «از بلائی که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد، بترسید» (انفال، ۲۵)، سنت

پیروزی انبیاء و کیفر کافرین، «به کسانی که کفر ورزیده‌اند بگو اگر بازایستند، آنچه گذشته است برایشان آمرزیده می‌شود و اگر بازگردند به یقین سنت [خدا در مورد] پیشینیان گذشت» (انفال، ۳۸)، سنت استدراج و ابتلاء «آنها که کافر شدند، (و راه طغیان پیش گرفتند،) تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم، به سودشان است! ما به آنان مهلت می‌دهیم فقط برای اینکه بر گناهان خود بیفزایند و برای آنها، عذاب خوارکننده‌ای (آماده شده) است!» (آل عمران، ۱۷۸)، «و آنها که آیات ما را تکذیب کردند، تدریجاً از آن راه که نمی‌دانند، گرفتار مجازاتشان خواهیم کرد \* و به آنها مهلت می‌دهیم (تا مجازاتشان دردناک‌تر باشد)، زیرا طرح و نقشه من قوی (و حساب شده) است (و هیچ‌کس را قدرت فرار از آن نیست)»، (اعراف، ۱۸۲-۱۸۳)، «برای هر قوم و جمعیتی زمان و مدت (معینی) است و به هنگامی که مدت آنها فرا رسد، نه ساعتی از آن تأخیر می‌کنند و نه بر آن پیشی می‌گیرند» (اعراف، ۳۴) و در آیه ۵۹ سوره کهف رمز بدبختی و هلاکت مردم، عملکرد ظالمانه‌ی خودشان است و زوال تمدن‌ها و جوامع را تحت اراده الهی دانسته و برای ظهور و سقوط آنها زمانی خاص مقرر نموده است (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۷، ص ۱۹۳).

سنن تکوینی حاکم بر اجتماع برای همه جوامع صادق است و مختص صالحین نمی‌باشد، هر قوم و ملتی اگر از قوانین تکوینی اجتماعی پیروی نمایند، موفقیت و پیروزی برای آنها محقق می‌شود، همان گونه که اگر در یک جامعه فاسد انسان‌های خوب هم دچار قوانین اجتماعی بد شوند، پیامدها و آسیب‌های اجتماعی مترتب بر اعمال آنان می‌شود (صدر، ۱۳۹۳: ص ۲۱). برخی از سنت‌های الهی تکوینی حاکم بر جوامع و تمدن‌ها عبارتند از: بازتاب اعمال، نصرت الهی، امتحان و ابتلاء، اعراض، حق و باطل، امداد الهی، توفیق الهی، املاء، استدراج، برکات، درکات، مهلت، تقوا و ... .

جامعه جهانی که امروزه به دلیل گسترش روزافزون تکنولوژی‌های ارتباطی و سهل شدن تعاملات بشری شکل گرفته است و در آن میزان فقر، گرسنگی، بیکاری، کشتار انسان‌ها و فسادهای گوناگون اجتماعی و اقتصادی افزایش یافته و نیازهای مادی انسان و جوامع مورد توجه قرار گرفته است و بعد روحانی و معنویت انسان به فراموشی سپرده شده، تحت سنن الهی مهلت، هلاکت، درکات و ... قرار می‌گیرد. سیاست جهانی و ایجاد قوانین عام برای همه ملت‌ها و دولت‌ها

تحت همین نگرش موجب هلاکت بیشتر جوامع و ملت‌های دیگر خواهد شد و سیاست جهانی نیز به سقوط و زوال می‌رسد.

د. سنن الهی تشریحی حاکم بر انسان: این سنن با فعل و عمل اختیاری انسان همراه است و انسان می‌تواند به مخالفت با این سنن و قوانین الهی پردازد، در نتیجه برای این اعمال در صورت انجام و یا مخالفت ثواب و عقاب دنیوی و اخروی همراه است. در برخی از آیات الهی به پیامدهای دنیوی و اخروی انجام عمل اشاره شده است. «هر کس در گرو اعمال خویش است» (مدثر، ۳۸)، «هر کس از خدا پروا کند [خدا] برای او در کارش تسهیلی فراهم سازد» (طلاق، ۴)، «و هر کس از خدا پروا دارد [خدا] برای او در کارش تسهیلی فراهم سازد» (طلاق، ۴)، «و هر کس از خدا پروا کند، بدی‌هایش را از او بزدايد و پاداشش را بزرگ گرداند» (طلاق، ۵).

این آیات از جهتی اشاره به سنن تکوینی و از جهتی اشاره به سنت تشریحی دارند. لذا، در آن جهت که قانون کلی الهی را بیان می‌نمایند، بحث تکوین مطرح است، ولی از آن جهت که اشاره به اختیار انسان و توانایی انسان در انجام و عدم انجام عمل دارد و فعل منتسب به فرد و در سرنوشت وی اثر دارد و گشایش راه‌هایی از سوی خداوند در صورت رعایت تقوا گشوده می‌شود، بحث قوانین تشریحی به میان می‌آید. قوانین تشریحی همانی هستند که خداوند به فعل و ترک آن امر، نهی، تشویق یا تهدید نموده است. بنابراین، شامل واجبات، محرمات، مستحبات و مکروهات الهی است. نماز، روزه، مطهرات، نجاسات و... را می‌توان از این قسم برشمرد.

این قسم از سنن تشریحی رفتار افراد مومن را در فعل و ترک شکل می‌دهد و رفتار افراد در سرنوشت آنان در دنیا و آخرت تاثیرگذار و مسبب ایجاد سنن الهی می‌گردد. این سنن در هویت بخشی و نحوه مواجهه فرد با مشکلات و مسائل فردی، قومی، ملی و جهانی به تعیین و تکلیف فعل افراد می‌پردازد و امروزه مسائلی مثل مهاجرت، جمعیت، شغل و... در عرصه جهانی که افراد با آن مواجه هستند، حدود و ثغوری را برای افراد معین می‌نماید.

از آنجا که سنن الهی تشریحی با اختیار انسان همراه بوده و افعال اختیاری انسان دارای پیامدهای گوناگون دنیوی و اخروی است، بخشی از عناصر فرهنگی در جوامع، مبتنی بر همین نگرش‌ها و رفتارهای انسان است که هویت وی را شکل می‌دهد و هویت انسان‌ها در شکل‌گیری

حقوق اولیه آنها در جوامع و ملت‌ها تاثیر بسزائی دارد. در نتیجه این سنن و قوانین با سیاست جهانی ارتباط مستقیم پیدا می‌نماید، زیرا یکی از مسائل مهم در سیاست جهانی بحران هویت، حقوق بشر و مهاجرت می‌باشد.

بنابراین، باید گفت که سنن تشریحی الهی حاکم بر انسان که برای وی حدود و ثغوری را در عرصه نظام باورها نسبت به خود، خدا، هم‌نوعان و جهان آفرینش و چگونگی تعامل و ارتباط با آنان به صورت احکام مستحب، واجب، مباح، مکروه و حرام مشخص می‌نماید، دارای ظرفیت‌های لازم و مناسبی جهت تدوین و تبیین مبانی و ارزش‌های سیاست جهانی می‌باشد و باید از آن بهره‌برداری نمود.

ی. سنن الهی تشریحی حاکم بر اجتماع انسانی: این سنن ناظر به زندگی اجتماعی بوده و موجب انتظام امور جوامع و ملت‌ها می‌گردد و بدون این سنن انتظام اجتماعی ممکن نیست. قوانین حاکم بر روند اجتماعی سیاسی اقوام و ملت‌ها از این‌گونه می‌باشند. سنت تشریحی خداوند بر این است که سرنوشت ملت‌ها براساس میل و اراده و اختیار خود آنان باشد، خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنها خود را تغییر دهند (رعد، ۱۱).

در جایی دیگر جوامع و ملت‌ها را به رعایت تقوای الهی خطاب قرار می‌دهد که در صورت رعایت تقوا برکات زمینی و آسمانی ساری و جاری می‌گردد: «و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند، پس به [کیفر] دستاوردها [گریبان] آنان را گرفتیم» (اعراف، ۹۶) و در صورت نافرمانی قوم و جامعه‌ای وعده عذاب سخت دنیوی و اخروی را می‌دهد، «و چه بسیار شهرها که از فرمان پروردگار خود و پیامبران سرپیچیدند و از آنها حسابی سخت کشیدیم و آنان را به عذابی [بس] زشت عذاب کردیم» (طلاق، ۸).

فتنه و محنت از سنت‌های الهی است و همه مردم و امت‌ها در طول تاریخ و در آینده بوسیله آن آزمایش می‌شوند، «در حالی که یقیناً کسانی را که پیش از آنان بودند، آزمایش کرده‌ایم [پس اینان هم بی‌تردید آزمایش می‌شوند]، و بی‌تردید خدا کسانی را که [در ادعای ایمان] راست گفته‌اند، می‌شناسد، و قطعاً دروغ‌گویان را نیز می‌شناسد» (عنکبوت، ۳). این خود امت‌ها و

اشخاص هستند که به خود ظلم می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۶، ص ۱۴۶). براساس این آیه همه مشکلات و سختی‌ها در زندگی انسان و جوامع انسانی در همه سطوح فردی، خانوادگی، قومی، ملی و جهانی ذیل سنت الهی قرار می‌گیرند. قرآن برای شناخت بیشتر اقوام و ملت‌ها و دانستن سنن الهی دعوت به جهان‌گردی و سیر در زمین «فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ» (آل‌عمران، ۱۳۷)، (نمل، ۷۱)، (عنکبوت، ۲۰) و (حج، ۴۶) می‌نماید تا با عوامل نیک و بد، سعادت و شقاوت ملت‌ها آشنا شویم و از تحولات اجتماعی دنیا مطلع و از آن بهره ببریم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۱۰۵-۱۰۱).

سنت‌های اجتماعی نماز جماعت و جمعه، خمس، زکات، انفاق، وقف، امر به معروف و نهی از منکر و... آحاد مردم و جامعه را در سرنوشت خود تاثیرگذار می‌نمایند. این سنن در مورد مسائل و پدیده‌های محلی، قومی، ملی و جهانی مانند فقر و بیکاری، ناعدالتی‌های اجتماعی، فساد و... موجب همدلی و همیاری، همکاری در سطوح فروملی و فراملی می‌گردد.

اهمیت سنن و قوانین الهی در این است که از آن می‌توان بنیادها و ارزش‌هایی جهانی را درباره انسان، زیست جهان و تعامل این دو استخراج نمود و سپس مبتنی بر این بنیادها و ارزش‌ها به مسائل گوناگون انسان، اجتماع و زیست جهان در سطوح فروملی و فراملی پرداخت. به عنوان مثال تاکید اسلام بر عدم پیروی از اسراف‌گران است، «از فرمان اسراف‌گران اطاعت نکنید، همانان که در زمین فساد می‌کنند و به اصلاح‌گری نمی‌پردازند» (شعراء، ۱۵۱ - ۱۵۲). اگر مردم، دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و... در جهان از پیروی اسراف‌گران عالم و قدرتمندان بپرهیزند، آنها سقوط می‌نمایند، زیرا دیدگاه و رفتار آنان بدون همراهی می‌ماند. امروزه در سیاست جهانی بسیاری از کشورها و دولت‌ها متأسفانه از قدرت‌های بزرگ پیروی می‌نمایند و قدرت‌های بزرگ نیز در پی حفظ و گسترش منافع خود می‌باشند و اصلاح بنیادی در مسائل سیاست جهانی ایجاد نمی‌نمایند.

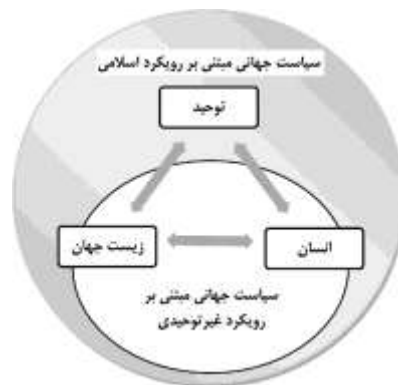
## ۶. نتیجه‌گیری

در نگرش و بینش توحیدی، جهان آفرینش مبتنی بر نظام احسن ایجاد گردیده و دارای هدف و غایتی است و انسان که برترین موجود این نظام می‌باشد نیز مبتنی بر نظام احسن و هدف از خلقت وی تقرب الهی است. نظام احسن یعنی این که کامل‌تر از این قابل تصویر نبوده و همه



اجزای عالم در کامل‌ترین وضع خود و مبتنی بر حکمت، عدالت و سنن الهی قرار گرفته‌اند و نظام علت و معلول، سبب و مسبب بر آن حاکم می‌باشد. مسائل سیاست جهانی مرتبط با انسان، زیست جهان و تعامل انسان با زیست جهان نیز از امور و مسائل این نظام احسن و در تدبیر و مشیت الهی چه به طور تکوینی یا تشریحی قرار دارند. انسان با اختیار و آزادی خود که در طول اراده الهی قرار دارد، با انجام سنن الهی تشریحی یا عدم انجام آن می‌تواند زمینه‌ساز اجرای سنن تکوینی الهی گردد و به رشد، کمال و سعادت دنیوی و اخروی یا شقاوت دست یابد.

سیاست جهانی مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی براساس سنت‌های الهی تکوینی و تشریحی قابلیت ترسیم و پاسخگویی به مسائل سیاست جهانی در عرصه انسان، زیست جهان و تعامل این دو را دارا می‌باشد. نگاه غایت‌مدارانه و تکوینی به نظام هستی و همه اجزای آن که به سوی کمال خود در حرکت هستند، منافاتی با سنن تشریحی الهی نداشته و انسان با توجه به اختیار و آزادی نقش بسزایی در سرنوشت خود و تغییرات زیست جهان دارد. برای پاسخگویی به مسائل سیاست جهانی از منظر سنن الهی لازم است بنیادها و ارزش‌هایی عام برای همه انسان‌ها، جوامع و ملت‌ها در طول تاریخ از گذشته تا آینده از سنن الهی استخراج و تالیف گردد. بنابراین، سیاست جهانی مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی براساس سنت‌های الهی قابل ترسیم می‌باشد.



## منابع

- قرآن کریم.
۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). توحید در قرآن. قم: اسراء.
  ۲. جوادی آملی عبدالله (۱۳۹۸). تفسیر انسان به انسان. چاپ نهم، قم: اسراء.
  ۳. سبحانی، جعفر (۲۰۱۰م). فرهنگ قرآن. بیروت: موسسه التاریخ العربی، ج ۱.
  ۴. شاهدی، غفار (۱۳۸۳). توحید و حکومت دینی. حکومت اسلامی، سال نهم، شماره ۳۱: ص ۳۶۹-۳۲۹.
  ۵. صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۳). سنت‌های تاریخ در قرآن. ترجمه سیدجمال موسوی اصفهانی. قم: جامعه مدرسین، چاپ سوم.
  ۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱، ج ۱۶.
  ۷. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۳، ۷.
  ۸. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۴). میزان الحکمه. قم: دارالحدیث، ج ۲.
  ۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). آموزش فلسفه. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ج ۲.
  ۱۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). مجموعه آثار. تهران: صدرا، چاپ هفتم، ج ۲۶.
  ۱۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۷، ۳.
  ۱۲. هیوود، اندرو (۱۳۹۲). سیاست. ترجمه عبدالرحمن عالم. تهران: نشر نی، چاپ سوم.
  ۱۳. هیوود، اندرو (۱۳۹۶). سیاست جهانی. ترجمه سید مسعود موسوی شفاغی. تهران: سمت، ج ۱.

## استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/sm.2020.135791.1588

میراحمدی، منصور؛ نائیج، علیرضا (۱۳۹۹). سنن الهی و مسائل سیاست جهانی. سیاست

متعالیه، ۸ (۲۹): ص ۳۶۲-۳۴۵